

نقش بزرگی در فعالیت حرفه‌ای‌ام بازی کرده است و با صداقت و اخلاق کم نظیر و صدق و صفای درونش مرجع مطمئنی برای من بوده است. تلاشش مستدام باد، اجرش مأجور.

## یکی مرد جنگی به از صد هزار

### علی خزاعی‌فر

در سال ۸۴ خشایار دیهیمی با تعداد زیادی از مترجمان سرشناس میهمان کنفرانس ترجمه ادبی دانشگاه فردوسی بودند. از آنجا که دانشگاه امام رضا(ع) نیز در این کنفرانس مشارکت کرده بود، میزگرد پایان کنفرانس را در دانشگاه امام رضا(ع) برگزار کردیم. سائل کنفرانس پر بود از دانشجویان دانشگاه امام رضا(ع) که با اشتیاق آمده بودند تا پای صحبت مترجمان برجسته کشور بنشینند. من هم جزو اعضای میزگرد بودم ولی دیرتر از بقیه به صحنه رفتم. به محض اینکه وارد صحنه شدم، دانشجویان برای من که استادشان و برگزار کننده کنفرانس بودم دست زدند. (البته اگر می‌دانستند این کار محبت‌آمیزشان چقدر مایه خجالت من می‌شود این کار را نمی‌کردند.) بعد بحث آغاز شد. سوال این بود که چه باید کرد. چه‌گونه می‌توان وضعیت ترجمه را سر و سامان بخشید. هر کس چیزی گفت. نوبت که به دیهیمی رسید، به من و به دست زدن حضار اشاره کرد و گفت راه‌حل این است که هر کس در هر کجا که هست کار خود را درست انجام دهد. این سخن کوتاه و پرمغز دیهیمی مرا یاد سخن معروف ابوسعید ابی‌الخیر انداخت. آنجا که گفت: "هر چه ما خواستیم گفت، و همه پیغامبران بگفتند، او بگفت که از آنچه هستید، یک قدم فزاتر آید."

غرض از نقل این خاطره، تعریف از خود نبود. غرض اشاره به روح بزرگ مردی بود که راه‌حل را در "کار" می‌بیند. کار صادقانه، کار بی‌دعوی، کار بی‌جنجال. در خلال هفده سال سردبیری مترجم، از این موهبت بزرگ برخوردار بوده‌ام که با مترجمان بسیاری از نزدیک آشنا شده‌ام. خوشبختانه این قشر زحمتکش، به برکت مجاورت با کتاب، عموماً آدمهایی افتاده و اثرگذار هستند. در میان این قشر، دیهیمی از جمله شخصیت‌های ممتازی است که اخلاقش همچون کارش چشمگیر و در خور ستایش است. همیشه از صحبت تلفنی با او و از دیدار حضوری با او لذت برده‌ام. دیهیمی عالمی است که تو را مرعوب نمی‌کند. بلکه با آرامش و افتادگی که دارد، به تو اعتماد به نفس می‌دهد. هم علم می‌آموزد، هم اخلاق.

از آن شخصیت‌های فرهنگی است که دیدار با او موهبتی بحساب می‌آید. هر کس با او دیدار کند، به قدر اهلیت خود اثر می‌پذیرد. مراتب ارادت خود را خالصانه خدمت این خادم فرهیخته فرهنگ ابراز کرده و برایش سلامتی و طول عمر پربرت آرزو می‌کنم.

## حکایت از دوست

### عبدالله کوثری

اگر بخواهم چند نفر را نام ببرم که در این دو دهه اخیر بر فرهنگ جماعت کتابخوان و اهل تفکر در این دیار تأثیر نمایان نهاده‌اند، بی‌تردید یکی از ایشان خشایار دیهیمی خواهد بود.

دامنه فعالیت دیهیمی بسیار گسترده است. او جدا از ترجمه در زمینه ادبیات و فلسفه، سالها ویراستار بوده و علاوه بر این فعالیت مطبوعاتی طولانی داشته، از سردبیری نگاه نو تا نوشتن مقالات در مطبوعات و باز علاوه بر این در محافل و مجامع دانشگاهی و غیر آن سخنرانی‌ها داشته و همچنین چندین فعالیت فرهنگی را سامان داده یا به راه انداخته و با بسیاری از ناشران خوب ما همکاری کرده و مشاور آنان در گزینش کتاب بوده. جدا از اینها دیهیمی از کسانی است که برای راهنمایی نویسندگان و مترجمان جوان همواره آماده است.

من در اینجا فقط به آن بخش از فعالیت او می‌پردازم که به کتاب مربوط می‌شود و بخصوص به ترجمه و ویرایش. دیهیمی در مقام مترجم کار خود را با ترجمه داستانی از گوگول آغاز کرد و هنوز هم به آثار ادبی توجه خاص دارد خاصه نوشته‌های دو نویسنده محبوبش، داستایوسکی و آئبر کامو. اما در این دو دهه خدمت نمایان او به اهل کتاب ترجمه کتابهای فراوان و ارزشمند در زمینه فلسفه و فلسفه سیاسی بوده است. طیفی وسیع از نویسندگان، از هانا آرنه و آیزابا برلین تا جان کری و ریچارد رورتی با ترجمه دیهیمی به خوانندگان فارسی زبان معرفی شده‌اند و به جرات می‌توان گفت ترجمه‌های او سطح آگاهی ما را از فلسفه سیاسی بسیار بالاتر برده است و این یکی از ضروری‌ترین دانش‌ها برای ما ایرانیان بوده و هست، چرا که در طول چند دهه، شیفتگی و تعصب بسیاری از روشنفکران ما در حق یکی دو مکتب فکری ما را از تنوع اندیشه در این عرصه بی‌خبر نگه داشته بود و اغلب چشم بسته بر آرای تأکید می‌کردیم که خواه در شکل اصلی و خواه در نسخه ناقص و تحریف شده‌ای که به دست ما رسیده بود، قبل از هر چیز ستایشگر دیکتاتوری به نامهای مختلف و نفی کننده آزادی بود. تلاش دیهیمی و یکی دو تن از مترجمان خوب دیگر در این دو دهه ما را با